

بررسی مفهوم شناختی نشانه و رمزگان در معماری و شهرسازی با تاکید بر معماری و شهر اسلامی

سمیه امیری خوشکار وندانی* - دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، گروه معماری، واحد قزوین،
دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

چکیده

Study the concept of cognitive signs and codes in architecture and urbanism with an emphasis on architecture and Islamic city

Abstract

Today, in the field of architecture and urbanism, the concept of semiotics and codes of cities from the body to the content and syntax, is increasingly important. In linguistics, architecture, language that in its text. In semantics, urban form, the text of the commentary. Astronomers study were systematically targeted by the city's landmarks crystalline in form and content. Of course, achieving this with careful consideration and thorough understanding of concepts such as signs, codes, semiotics, and several strains of the city and close relationship is possible. This is of particular manifestations of Islamic architecture and urban planning in this article refers to them briefly. The research method is descriptive-analytic and logical reasoning, also benefited. The findings of this study indicate that the codes of logic in the Islamic City by the convergence of natural factors, including the nature and evolution of the physical locations of the city over time (regulation of urban spatial structure, the skeleton of the city, urban spaces, typology of buildings, the image of the city) is determined. The concepts of ecological implications visually interpretable and hermeneutics, expression and design methodology of semiotic implications in various fields of art. And in recognition of architectural issue and provide insightful explanation of them has a tremendous impact. The architectural elements such as the arch, balcony, arabesque domes and minarets and show your altar.

Key words: semiotics, hermeneutics, Islamic architecture and urban planning.

امروزه در حوزهٔ دانش معماری و شهرسازی، پرداختن به مفهوم شناختی نشانه و رمزگان شهرها از کالبد گرفته تا محتوا و نحو، اهمیتی روزافزون یافته است. در زبان شناسی، معماری زبانی است که شهر متن آن است. در معنی شناسی، شکل شهری، متنی است که تفسیر می‌شود. هدف نشانه شناسان مطالعه نظام یافته معنی از طریق نشانه‌های متبلور در صورت و محتوای شهر است. مسلماً تحقق این مطلب با بررسی دقیق و درک کاملی از مفاهیمی همچون نشانه، رمزگان، نشانه شناسی، شهر و ارتباط تنگاتنگ و چند سویه آنها میسر است. این امر در معماری و شهرسازی اسلامی نمودهایی ویژه دارد که در این مقاله به آنها به اختصار اشاره می‌شود. روش تحقیق حاضر، توصیفی- تحلیلی است که از روش استدلال منطقی نیز بهره برده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رمزگان‌های منطقی در شهر اسلامی به واسطه همگرایی با عوامل طبیعی، از جمله موقعیت استقرار در طبیعت و سیر تحول کالبدی شهر در گذر زمان (انتظام ساختار فضایی شهر، استخوانبندی شهر، فضاهای شهری، گونه شناسی اینیه، تصویر ذهنی از شهر) مشخص می‌شود. و مفاهیمی از نوع دلالت گری دیداری، تاویل پذیری و هرمنوتیک، متداول‌بودی بیان و طراحی که از پیامدهای نشانه شناسی در عرصه‌های مختلف هنری هستند، در شناخت صورت مسئله‌های معماری و ارائه تبیینی روشنگرانه از آنها تاثیری بسزا دارد که در عناصر معماری مانند در، قوس، ایوان، نقوش اسلامی و مناره و گنبد و محراب خود را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: نشانه شناسی، هرمنوتیک، معماری و شهرسازی اسلامی.

مقدمه

زبانشناسی عمومی» پیشنهاد پایه گذاری علمی نوین تحت عنوان نشانه‌شناسی را مطرح کرد، تا به امروز که نشانه‌شناسی کلیه عرصه‌های علوم تجربی و نظری رازیز سیطره خویش گرفته، چیزی بیشتر از یک قرن نمی‌گذرد. تحولات سریع و پیدایش نظریه‌های متفاوت نشانه‌شناسی در این بازه زمانی کوتاه حاکی از آن است که جامعه جهانی علم به اهمیت‌های اساسی و ضرورت های انکارناپذیر این شاخه علمی بی برده است. نشانه‌شناسی امروزه می‌رود تا به علمی تبدیل شود که دیگر علوم را در عرصه‌های مختلف در خود گنجانیده و در واقع به نوعی ابر نظریه بدل گردد؛ ابر نظریه ای که قرنهاست دانشمندان و متفکران وابسته به نهضت مدرنیسم برآند تا در چهارچوب آن کلیه علوم مختلف را گردآورند. از سویی دیگر، نیاز مبرم انسان قرن بیست و یک به مقوله‌هایی چون کدگذاری و کدگشایی- که کلیه عرصه‌های مثبت و منفی زندگی بشر، از مقوله جنگهای مجازی تا فناوری انفورماتیک و فیزیک کیهان نشانه‌یاری را در برگرفته- حکایت از استراتژیک بودن این عرصه علمی دارد. معماری به عنوان نقطه تلاقی علم و هنر، امروزه به صورتی گسترده دست به گریبان نظریات و مقوله‌های نشانه- نشانه‌یاری است^۱. مفاهیمی از نوع دلالت‌گری دیداری، تاویل پذیری و هرمنوتیک، متداول‌بودی بیان و طراحی که از پیامدهای نشانه‌شناسی در عرصه‌های در عرصه‌های مختلف هنری هستند، در شناخت مسائل معماري و ارائه تبیینی روشنگرانه از آنها تأثیری بسزا دارد. از سویی دیگر، شهر در معنای تاریخی خود، نقطه ای است که در آن حداکثر تمرکز قدرت و فرهنگ یک اجتماع متبلور می‌شود. شهر، شکل و نشانه روابط منسجم اجتماعی و جایگاه مراکز و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی است. در شهر تجارب انسانی به علائم ماندگار، نمادها، الگوهای رفتاری و دستگاه‌های نظام ترجمه می‌شود. در آنجا مسایل تمدن متمرکز می‌گردد. آئین‌ها و تشریفات هر از گاهی به درام پر جنب و جوش از جامعه‌ای کاملاً ناهمگون و خودآگاه تبدیل می‌شود. شهرها محصول زمان هستند. در شهر، زمان مرئی می‌شود؛ بنها، یادمان‌ها و معابر عمومی، در مقایسه با مصنوعات پراکنده نواحی غیرشهری، بیش از گذشته در برابر دیدگان انسان‌ها خودنمایی می‌کند. زمان در تقابل و تعارض با مکان قرار می‌گیرد. عادات و ارزش‌ها به فراسوی گروه‌های انسانی معاصر انتقال می‌یابد و با لایه‌های زمان که مشخصه هر نسل مجزایی است چیدمان می‌شود. ادوار گذشته لایه به لایه تا زمانی که حیات تداوم دارد خود را در شهر حفظ می‌نمایند (مامفورد، ۱۳۸۵، صص ۲۱-۳۰). به طور کلی پیشینه نشانه‌شناسی به عنوان یک علم مجزا به یک قرن قبل بر می‌گردد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به طور همزمان و بدون اطلاع و آگاهی قبلی، دو نظریه پرداز در حوزه‌های علوم انسانی، فردینان دوسوسور سوئیسی استاد دانشگاه لوزان و چارلز ساندرس پیرس فیلسوف پرآگماتیست و استاد دانشگاه شیکاگو در پی تعریف مفهوم نشانه‌شناسی برآمدند. از زمانی که سوسور در کتاب «درس‌هایی در مورد

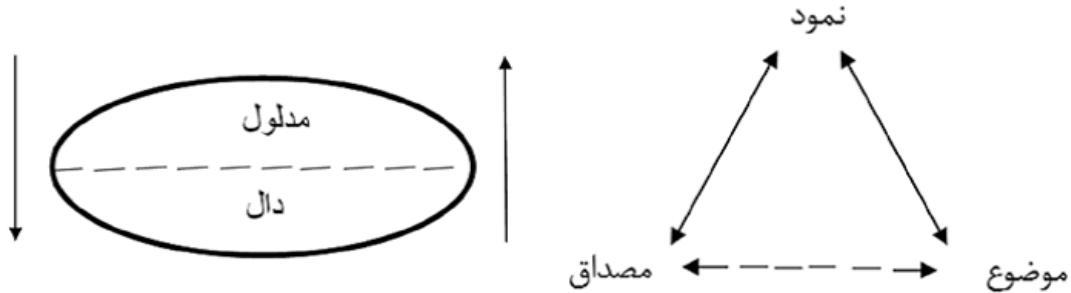
ادبیات و مبانی نظری مفهوم‌نشانه

«هر نامی که به چیزی دادی آن نام درست است، و اگر آن نام را رها کردم و نام دیگری به همان چیز

دریز شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۲۴



نمودار ۱. (سمت راست) الگوی ارائه شده پیرس درباره نشانه؛ مأخذ: فلاحت، ۱۳۹۱، ص ۱۹ و نمودار ۲. (سمت چپ) الگوی ارائه شده از طرف ساسور از نشانه؛ مأخذ: فلاحت، ۱۳۹۱، ص ۱۹.

تعریف جامع خود را ارائه داد، مفهوم نشانه در تاریخ غرب دارای معانی مختلفی بود که سعی می شود به صورت گذرا به آنها اشاره شود. واژه نشانه‌شناسی دارای ریشه یونانی است. این علم در قلمرو نشانه (Sign) و معنا (Meaning) (به پژوهش می‌پردازد و در حقیقت از واژگان علم پزشکی که علائم بیماری‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد، برگرفته شده است. بنا بر تعریفی کلی، نشانه چیزی است که به جای چیز دیگری می‌آید. به عبارتی می‌تواند به جای چیز دیگری، بر معنایی دلالت کند. لویی فردینان دو سوسور زبان‌شناسی سوییسی،

دادی، نام اخیر به هیچوجه نامناسب نیست. درست همانگونه که نام غلام خویش را تغییر می‌دهی.»^۲ (ضیمران، محمد، ۱۳۸۲، ص ۴۵). این جملات در واقع بخشی از رساله «کراتیلوس» افلاطون است که از جانب «هرموگنیس» شهروند آتنی، خطاب به «سقراط» گفته می‌شود و آن را می‌توان اولین رهیافتهای انسان فلسفی غرب در مورد نشانه‌شناسی دانست، با این تاکید که به صورت مستقیم اشاره‌ای به مفهوم نشانه نشده است. پس از این تا هنگامی که «چارلز ساندرس پیرس» به عنوان اولین تئوریسین نشانه‌شناسی

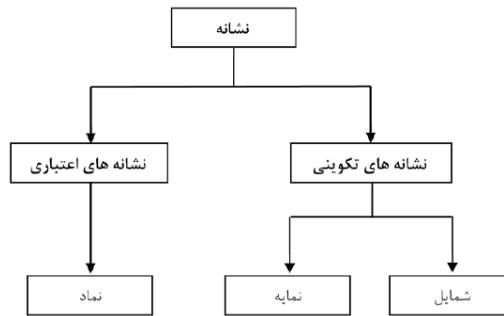
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

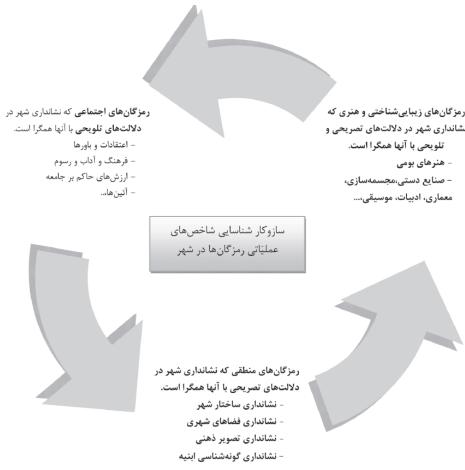
۴۲۵

۱. در رابطه با روش هرمنوتیک و نقد نشانه‌شناسی در معماری و شهرسازی دیکنستراکشن، بی‌شک باید دریدا را موثرترین فیلسوف این حوزه بر معماری دانست. او با درخواست رسمی آیزنمن و چومی بلاواسطه با فرآیند طراحی و ساخت و اجرای یک پروژه معماری همکاری داشت. «پیتر آیزنمن» در مرکز هنری وکسنر و برنارد چومی در «پارک لاویلت» سعی در تجربه کردن فرآیندی از طراحی را داشتند که بتوان از طریق آن مفاهیم و لایه‌های به حاشیه رانده شده سایت مورد نظر خود را کدگشایی کرده و مسیر دقیق تری در راه رسیدن به فرم مطلوب خود بیابند. بی‌شک این امر موقفيت‌های ارزنده‌ای برای این دو به همراه داشت در درجه اول گسست از تحلیل سنتی در معماری به نگرشی روشنگر و جامعتر از پیامدهای مفهوم واسازی در معماری است. این بار واسازی به معماران کمک کرده بود تا عناصری را در فرآیند طراحی خود دخیل کنند که پیشتر بی ارتباط به منابع تحلیل سایت تلقی می‌شد. توجه به بافت شهری و تاثیراتی که بر سایت موردنظر اعمال می‌کند به جامعتر کردن فرآیند طراحی کمک شایانی کرده است. در واقع می‌توان گفت این بار طراحی تنها یک فرآشده خاص برای رسیدن به جواب‌های محتمل یک صورت مسئله نیست، بلکه آن را می‌توان نوعی آگاهی جدید به شمار آورد. اینبار معمار با طراحی و طی کردن فرآیندهای آن به آگاهی می‌رسید. همین امر مسیر را برای پایین کشیدن معمار از پایگاه یک جانبه خود (از آسمان به زمین) هموارتر کرد. او برای رسیدن به آگاهی طراحی می‌کرد نه برای آگاهی بخشی. به همین دلیل معمار خود نیازمند آگاهی بخشی نوینی بود که متعاقباً به تشکیل نهادها و مراحل دیگری در حوزه‌های مربوط به فرآیند طراحی می‌انجامید. اما این مبحث تنها به دخیل کردن واسازی در بخش کوچکی از به انجام رسیدن یک پروژه معماری محسوب می‌شود.

2. The woof and warp of all thought and all research is symbols, and the life of thought and science is the life inherent in symbols.



نمودار ۳. (سمت راست) انواع نشانه‌ها در معماری؛ مأخذ: منان ریسی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۸۲. و تصویر ۱. حرم مطهر امام حسین (ع) کاربست نقش اسلامی به عنوان رمزپردازی استقرایی با استفاده از نشانه شمایلی؛ مأخذ: منان ریسی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۸۴.



نمودار ۴. مفهوم رمزگان و نشانه‌شناسی در معماری شهری؛
مأخذ: جمعبندی ادبیات نظری و براساس روش و شبیانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۳.

از دوران باستان، فیلسوفان، منطق‌دانان و دستور زبان‌شناسان، به تحقیق درباره نشانه‌ها مشغول بوده‌اند و از عصر رمانتیک تا به امروز، شاهد تلاش پی‌گیر زبان‌شناسان، مردم‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و ادبیات‌پژوهان برای تدوین نظریه‌ای منسجم درباره دلالت در ارتباط و شناخت، بوده‌ایم (دینه‌سن، آنه ماری؛ ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۱). خاستگاه تاریخی نشانه‌شناسی را به آگوستین قدیس نسبت داده‌اند؛ زیرا او میان نشانه‌های طبیعی، نشانه‌های قراردادی و کارکرد نشانه‌ها نزد انسان و حیوان، تمایز قائل شد. اگرچه می‌توان نشانه‌شناسی را تا زمان ارسطو و افلاطون ریدابی کرد؛ ولی نام نشانه‌شناسی

در «نظریه‌زبان‌شناسی» نشانه را نتیجه همبستگی دال و مدلول می‌داند. چارلز ساندرس پیرس، فیلسوف آمریکایی، نشانه را امری می‌داند که موردی را به جای موردی دیگر، با نسبت و توانایی خاصی تعریف می‌کند.

چارلز پیرس که پژوهش‌های پیرس را دنبال کرد، در تعریف نشانه می‌گوید: «هر چه به عنوان نشانه از سوی تاویل کننده‌ای تاویل شود، نشانه است.» امerto اکومی‌نویسد: «نشانه تمامی آن چیزهایی است که بر پایه‌ی قراردادی اجتماعی و از پیش نهاده، چیزی را به جای چیز دیگری معرفی می‌کند.»^۳ نشانه در لاتین ریشه در کلمه semion یونانی به معنی علامت دارد. «از سال ۱۷۵۲ میلادی اصطلاح symptomatology (شناخت علائم بالینی) همچون روشنگر بخشی از علم پژوهشی بکار رفت که نشانه‌های بیماری را بررسی می‌کند. حدود یکصد سال پیش منطق‌دان و فیلسوف پرآگماتیست آمریکایی چارلز ساندرس پیرس اصطلاح semiosis را به کار گرفت و آن را پژوهش نسبت میان

نشانه، مورد تاویلی و موضوع دانست. پیرس در آخرین سال زندگیش یعنی ۱۹۱۴ از اصطلاح semiotics یا نشانه‌شناسی استفاده کرد. پیش از این واژه یونانی را جان لاک به سال ۱۶۹۰ در پایان مهمترین کار فلسفی خود یعنی رساله‌ای در پژوهش فهم آدمی به کار برده بود.» (b: احمدی، بابک، ۱۳۷۱، ص ۷). مصادف با همین دهه و همزمان با پیرس، فردینان دوسوسور از واژه semiology برای نشانه‌شناسی استفاده کرده بود.

میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۲۶

درک نخواهیم کرد؛ چراکه نشانه‌های آن به واسطه قراردادهای از پیش تعیین شده، تنها برای ناشنوایان و افرادی که با این قراردادها آشنا نی minden، قابل درکند. لذا «ظهور نشانه‌شاسی به عنوان رشته‌ی علمی را مدیون چالرز سندرس پیرس (۱۸۳۹-۱۹۱۴) هستیم. از نظر او نشانه‌شناسی، چارچوبی ارجاعی است که هر مطالعه دیگر را دربرمی‌گیرد. تقریباً همزمان با او، زبان‌شناس سوئیسی، فردینان دوسوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳) نیز نشانه‌شناسی را مطرح کرد. او بیان می‌داشت که زبان، نظامی از نشانه‌هایی است که بینگر اندیشه‌هاست. از این‌رو با خطر، الفبای کر و لال‌ها، آیین‌های نمادین، آداب معاشرت، علائم نظامی و غیره قابل مقایسه است. نشانه‌شناسی را فقط زبان نمی‌دانست؛ بلکه در نظر دوسوسور، زبان مهم‌ترین این نظام‌های است و می‌توان علمی را طراحی کرد، که به بررسی زندگی نشانه‌ها را «جان‌لَاک»^۴ (۱۶۳۲-۱۷۰۴) مطرح نمود و به شناختی که هم به مفاهیم ذهنی و هم در عین حال به نشانه‌های مربوط به ارتباط میان انسان‌ها بپردازد، اطلاق کرد.^۵

در میان تعریفهای بالا رویکرد موریس و پیرس به نشانه، به اصول هرمنوتیک مدرن و اهمیت تاویل در رویارویی با اثر هنری نزدیکتر است. نشانه در این نوشتار به همان تعبیر مورد نظر آنها به کار رفته است. و اما سویه‌ی قراردادی نشانه‌ها، واژه «میز» بنا بر قراردادی زبان‌شناسانه و از پیش‌پذیرفته شده در میان فارسی‌زبانان، به یک شیء دلالت می‌کند. اگر فردی ژاپنی که با فارسی آشنایی ندارد، این واژه را بشنود، به دلیل آشنایی نداشتن با زمینه دلالت نشانه (واژه)، معنایی درک نخواهد کرد. اگر با فردی که به زبان اشاره سخن می‌گوید روبرو شویم، معنای

مدیریت شهری

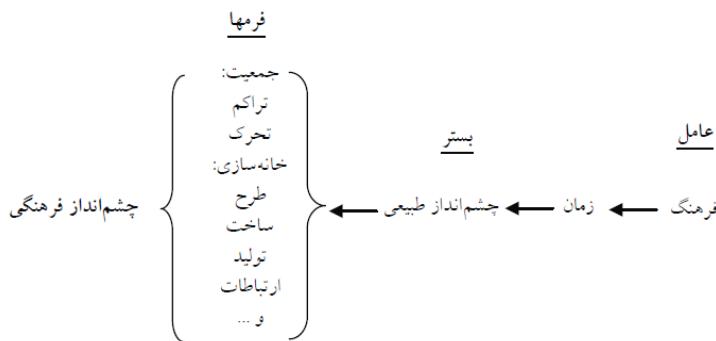
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۲۷

3.Logic is formal semiotic. A sign is something, A, which brings something, B, its interpretant sign, determined or created by it, into the same sort of correspondence (or a lower implied sort) with something, C, its object, as that in which itself stands to C. This definition no more involves any reference to human thought than does the definition of a line as the place within which a particle lies during a lapse of time. It is from this definition that I deduce the principles of logic by mathematical reasoning, and by mathematical reasoning that, I aver, will support criticism of Weierstrassian severity, and that is perfectly evident. The word formal in the definition is also defined (Peirce 1902).

4.John Locke

۵.بخش فراگیرتر آن که بغرنج تر به شمار می‌رود مربوط به مراحل ساخت و اتمام پروژه است. هنوز نمی‌توان با قطعیت کامل ابراز کرد که واسازی در یک ایده و تفکر کالبد یافته می‌تواند جای گیرد یا نه؟ چرا که هنوز نیز بعد از گذشت دو سه دهه از ظهور واسازی در معماری راههای بسیاری وجود دارند که هنوز تجربه نشده اند اما پروژه‌های اجرا شده در این مدت نیز می‌تواند ما را به بینشهای نوینی راهنمایی کند. اگرچه دریدا خود در نامه‌ای تحت عنوان «نامه‌ای به آیزنمن» پیش‌پیش از شکست احتمالی واسازی در معماری خبر داده بود، واز سوی دیگر تجربه ناموفق و آزاردهنده فولی‌های چومی هنوز هم در ماننا پذیرند (این مشکل را می‌توان در استفاده آیزنمن از بینامنتیت برای بازخوانی دوباره تاریخ سایت وکسنر در کالبد قلعه‌ای دفرمه شده نیز دید) اما واسازی در معماری به بن‌بست نرسیده است. از «رولان بارت» به این سو و در حال حاضر نیز به مدد متفسکران پسا ساختارگرای بخش بزرگی از سهم خلاقه یک متن یا اثر هنری بعد از خوانش آن اتفاق می‌افتد. در حالیکه هنوز جای خالی نقد با دید دکانستراکت در معماری و خصوصاً معماری کشور ما به شدت خالیست، می‌توان گفت پروژه معماری تنها به زمان آغاز اسکیس و تحويل آن به کارفرما محدود نمی‌شود. همچنین وظیفه نگرش دکانستراکت تنها محدود به بررسی راههای محتمل و تحلیل آنها در رسیدن به آگاهی از سویی و یافتن پاسخ محتمل از سوی دیگر نیست. واسازی می‌تواند به تحلیل جواب‌های کالبد یافته معماران کمک کند. و این تازه آغاز راه است. همچنین نباید از نظر دور داشت که نشانه‌شناسی در معماری ناگزیر به مفهوم ساختار شکنی پیوند خورده و این پیوند اجتناب ناپذیر است. چرا که معماری به مثابه فرآیندی که طی آن به پدیدآوری می‌انجامد ناچار به خوانش و بازبینی در دلالتهای پیشینی است، این امر امکان پذیر نیست مگر به مدد فهم نشانه‌ها از دید نوین واسازی و استفاده از دکانستراکشن به عنوان متدولوژی فرآیند طراحی.



نمودار ۵. چشم انداز فرهنگی (منجمله معماری و شهر) از منظر کارل ساور؛ مأخذ:

شکوهی، ۱۳۷۸، بنقل از: فیاض و سرفراز، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲.

منظور اطراف را احاطه کرده‌اند خود عناصری از نظام بازنمایی نشانه‌ها هستند. به هر حال، تولید معنادار ارتباط با مکانها، رویدادها و ویژگیهای مناظر شهری و نیز مرتبط با نظام مفاهیم است (چپچنسکی (لاتین)، شده است» (گیرو، پیر؛ ۱۳۸۳، چاپ دوم، صص ۲۰۰-۲۰۸، ص ۴۳).

نشانه‌شناسی

«به نظر سوسور نشانه مانند سکه‌ای است که دال و مدلول دو روی این سکه محسوب می‌شوند، و در واقع این دو هم‌zman با اینکه دارای هیچ نوع اینهمانی با هم نیستند، اما عامل وحدت بخشی که سوسور تجویز فرهنگی می‌نماید آنها را به هم پیوند می‌داد. او معتقد بود: «هیچ گونه علت کلی و استعلایی وجود ندارد که دال و مدلول را به هم پیوند دهد» (ضیمران، محمد، ۱۳۸۲، ص ۳۰)، به همین دلیل از نظر سوسور مهمترین خصوصیت یک نشانه ماهیت ارجالی بودن آنهاست. او همچنین با تعریف دو محور همنشینی و جانشینی نشانه‌ای (برای نمونه زبان) تبیین و تعریف کرد. روی محور جانشینی افاده معنی نشانه‌ها، مبتنی بر گزینش و در عین حال غیاب نشانه‌های دیگر است و در واقع این اولین بار توسط سوسور بود که تمایز به عنوان ماهیت اصلی دلالتگری معرفی شد. در کنار آن نشانه‌ها و واژگان با استقرار در کنار هم و روی محور همنشینی، حامل معنی می‌شدند. تغکرات سوسور بعدها پایه و بنیان بسیاری از نظریات ساختارگرایان را که مبتنی

در دل زندگی اجتماعی بپردازد. این علم بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و در نتیجه بخشی از روان‌شناسی عمومی خواهد بود که دو سورسور آن را سمیولوژی نامید؛ که از (سمه‌مدیون) یونانی به معنای نشانه‌آخذ شده است» (گیرو، پیر؛ ۱۳۸۳، چاپ دوم، صص ۱۴۳-۱۴۹).

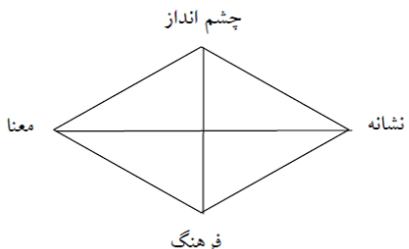
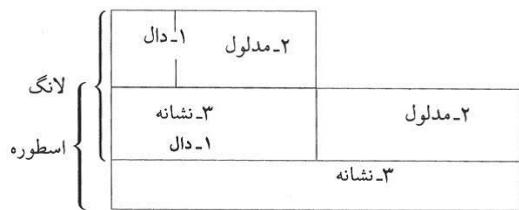
در نمونه نخست، واژه «میز» را دال می‌نامیم. تصویری که از «میز» در ذهن شما ایجاد شد، مدلول (مورد تاویلی) نامیده می‌شود و این دو در ارتباط با میز واقعی (موضوع - میزی که مورد اشاره بود) مطرح می‌شوند. بدین‌سان مفهوم نشانه، در بر دارنده هر دو سویه نخست است؛ دال همچون موردی محسوس و مورد تاویلی همچون امری ذهنی. در نظر پیرس هر نشانه در حکم نسبت میان این سه عنصر است. به تعبیری واژه «میز» همچون یک نشانه، نشانه‌ای دیگر (مدلول) را ایجاد نموده است که خود باید تاویل شود. بدین صورت نشانه‌ها، نشانه‌های دیگری می‌آفینند و معنای هر نشانه، در وابستگی به معنای یک نشانه دیگر هستی می‌یابد. بعدها ژاک دریدا و دیگر شالوده‌شکنان این بحث را گسترش دادند و اساس شالوده‌شکنی خود را بر آن بنانهادند؛ بر فاصله برنگذشتگی میان نشانه‌ها، میان دال، مدلول و موضوع.

چشم‌انداز به مثابه نوعی از ارتباطات یا زبان تلقی می‌شود. چشم‌اندازها شامل ساختمانها، مکانها و اشیایی هستند که به عنوان نشانه‌ها یا کلماتی که

میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۲۸



نمودار ۶. (سمت چپ) ارتباط چشم انداز با مقوله نشانه، مأخذ: فیاض و سرفراز، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴. و نمودار ۷. (سمت راست) معنای اطوره شناختی و دال و مدلول نشانه ها؛ مأخذ: روشن و شیبانی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۱.

هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود، سروکار دارد؛ از قبیل کلمات، شکل، تصاویر، اصوات، و اشیاء نشانه‌شناسان معاصر، نشانه‌ها را به طور منزوی مطالعه نمی‌کنند؛ بلکه به بررسی آن‌ها به عنوان بخشی از نظام‌های نشانه‌ای (مثل یک رسانه یا زانر) می‌پردازنند. آن‌ها به دنبال پاسخ به این پرسش‌اند که معناها چگونه ساخته می‌شوند و واقعیت چطور باز نمایی می‌شود؟

.(۲۵-۲۴)

چندلر، دانیل، ۱۳۸۶، صص ۲۵-۲۴.
از نیمه قرن هجدهم میلادی واژه‌ی Symptomatology (شناخت علائم بالینی) به کار می‌رفت که به بررسی نشانه‌های بیماری‌ها اشاره داشت. حدود صد سال پیش پیرس واژه‌ی Semiosis را به کار گرفت و آن را پژوهش میان نشانه، مورد تاویلی و موضوع دانست و در نهایت نام Semiotics را بدان داد. نشانه‌شناسی آنچنان که مورد نظر او بود، دانش بررسی تمامی پدیدارهای

بر نشانه‌شناسی و زبانشناسی بود تشکیل داد. بسیاری از مفاهیم مطرح شده توسط او همچنان امروزه مورد قبول اکثریت جامعه فلسفی قرن باقی مانده و هم‌زمان بسیاری نیز مورد بازبینی و خوانش مجدد قرار گرفت. در این میان می‌توان به رولان بارت و زاک دریدا اشاره کرد. رولان بارت را پدر نقد نوین قلمداد می‌کنند. نویسنده، منتقد، نظریه پرداز حوزه‌های مختلف علوم انسانی که دغدغه بررسی نشانه‌شناسی بسیاری از نمودهای فرهنگی جوامع، تا واپسین روزهای عمر همچنان با او بود. او با بررسی نظام‌های خوارک و پوشک، بررسی سیتم تغییر نشانه‌ها به اسطوره و حتی نشانه‌شناسی عشق آنچنان که خود گفته نه در پی معنا بلکه همواره در جستجوی امکاناتی بود که زبان برای معنا فراهم می‌آورد. او دوباره به بازبینی مفاهیم مطرح شده از سوی سوسور پرداخت. نشانه‌شناسی با

6. Suppose an inverted triangle to be gradually dipped into water. At any date or instant, the surface of the water makes a horizontal line across that triangle. This line represents a cognition. At a subsequent date, there is a sectional line so made, higher upon the triangle. This represents another cognition of the same object determined by the former, and having a livelier consciousness. The apex of the triangle represents the object external to the mind which determines both these cognitions. The state of the triangle before it reaches the water, represents a state of cognition which contains nothing which determines these subsequent cognitions. To say, then, that if there be a state of cognition by which all subsequent cognitions of a certain object are not determined, there must subsequently be some cognition of that object not determined by previous cognitions of the same object, is to say that when that triangle is dipped into the water there must be a sectional line made by the surface of the water lower than which no surface line had been made in that way. But draw the horizontal line where you will, as many horizontal lines as you please can be assigned at finite distances below it and below one another. For any such section is at some distance above the apex, otherwise it is not a line. Let this distance be a . Then there have been similar sections at the distances $2/1a$, $4/1a$, $8/1a$, $16/1a$, above the apex, and so on as far as you please. So that it is not true that there must be a first. Explicate the logical difficulties of this paradox (they are identical with those of the Achilles) in whatever way you may. I am content with the result, as long as your principles are fully applied to the particular case of cognitions determining one another. Deny motion, if it seems proper to do so; only then deny the process of determination of one cognition by another. Say that instants and lines are fictions; only say, also, that states of cognition and judgments are fictions. The point here insisted on is not this or that logical solution of the difficulty, but merely that cognition arises by a process of beginning, as any other change comes to pass.) Peirce 114-103 : 1868)

نظریه‌ای در باب نشانه‌ها و رده‌بندی آن‌ها و تحلیلی در باب واژگان و دستورهای زبان و نظامها و قراردادهاست. البته به تازگی تأکید آن بر مسائل مربوط به تأویل، بهنحوی گسترده‌تر، بر کاربردشناسی نشانه‌ها معطوف شده است. به دلیل اهمیت نشانه‌های زبان و ارتباطات انسانی، دیر زمانی است مباحث ارتباطات، با تفکر در باب زبان درآمیخته است (گیرو، پییر؛ ص ۱۴۹-۱۴۳).

دوسوسور در دوره زبان‌شناسی عمومی که در سال ۱۹۱۶ منتشر کرد، وجود یک دانش عمومی از نشانه‌ها (نشانه‌شناسی) را مسلم فرض کرد؛ که زبان‌شناسی فقط یک جزء آن است. پس هدف نشانه‌شناسی، بررسی و درک هر نظامی از نشانه‌ها، بدون توجه به ماهیت و محدودیت آن‌هاست.

تفاوت نشانه‌شناسی با سایر رشته‌ها

در باب تفاوت نشانه‌شناسی با سایر رشته‌ها، می‌توان چنین گفت که تصاویر، اشارات و علائم، آواهای موسیقی، اشیاء، تداعی‌ها و پیوستگی‌های پیچیده‌ی همه‌ی این‌ها که محتوای سنت‌های آیین‌ها، قراردادها یا سرگرمی‌های عمومی را تشکیل می‌دهند، می‌توانند در حوزه نشانه‌شناسی قرار گیرند و قادرند نظامهایی از دلالت را تأسیس کنند. مثلاً اگر در مورد مُد لباس بخواهیم بحث کنیم، اگرچه بعد اقتصادی و جامعه‌شناسی مدو لباس سروکار ندارد، بلکه فقط جامعه‌شناسی مدو لباس سروکار ندارد، که فقط می‌گوید اقتصاد و جامعه‌شناسی در کدام سطح نظام غایی، تناسب نشانه‌شناسی کسب می‌کنند؟ مثلاً در سطح نشانه لباس رسمی یا مذهبی؟ یا محدودیت‌های تداعی‌کننده (تابلو) یا در سطح کلام تضمّنی (بارت، رولان؛ ص ۱۱).

زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی

زبان‌شناسی، منتبه به دوسوسور است. حوزه مورد علاقه او، نشانه زبانی است، که در آن دنباله‌رو سنت نظریه‌پردازی در باب نشانه‌های قراردادی است و مفهوم در اولویت قرار دارد. او معتقد است فرآیند ارتباط زبانی مستلزم انتقال محتوای ذهن است. زیرا نشانه‌هایی که رمزگان مورد استفاده در ارتباط میان دو شخص

فرهنگی است که به دستگاه‌های نشانه‌شناسانه وابستگی داشته باشند. او و موریس بر این باور بودند که دامنه‌ی نشانه‌شناسی بسیار گسترده است و هر چیز که بر چیزی دیگر دلالت کند، در قلمرو آن قرار می‌گیرد. از سوی دیگر سوسور اینچنین از نشانه‌شناسی یاد کرده است:

«می‌توان علمی را متصور شد که موضوعش پژوهش تکامل نشانه‌ها در زندگی اجتماعی باشد. این علم بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و اینرو شاخه‌ای از Semiology زبان‌شناسی همگانی خواهد بود. ما آن را می‌خوانیم. نشانه‌شناسی معلوم خواهد کرد که نشانه‌ها از چه چیزها ساخته می‌شوند و قوانین حاکم بر آنها کدامند. از آنجا که هنوز این علم وجود ندارد، کسی هم نمی‌تواند بگوید که چگونه علمی خواهد بود. اما حقی برای آن وجود دارد و مقام آن پیش‌پایش روشن است. زبان‌شناسی فقط بخشی از این علم نشانه‌شناسی است. می‌توان قوانینی را که به یاری نشانه‌شناسی کشف می‌شوند، در مورد زبان‌شناسی نیز کارا دانست.»
به عبارت دیگر پژوهش‌های راجع به ارتباط بصری غیر زبان را نشانه‌شناسی می‌گوییم: علائم راهنمایی جاده‌ها، نقشه‌کشی، تصاویر مربوط به کالبدشناسی، شکل‌های بدنی و بال هواپیما، نمودارهای تصویری، نقشه‌های سیم‌کشی، نمودارهای سازمانی، داستان‌های مصور بدون شرح، نمودارهای ترسیمی (خطی)، آگهی‌های تبلیغاتی بصری، همگی در نشانه‌شناسی مطالعه می‌شوند (شايان‌مهر، ۱۳۷۷، چاپ اول، کتاب اول، ص ۵۲۸).

تفاوت نشانه‌شناسی و هرمنوتیک

از زاویه‌ای دیگر، نشانه‌شناسی عبارت است از مطالعه‌ی نشانه‌ها و فرآیندهای تأویل، با توجه به این که یک چیز، فقط هنگامی نشانه است، که یک تأویل گر آن را به عنوان نشانه چیزی تأویل کرده باشد؛ بنابراین روابط زرفی میان نشانه‌شناسی و هرمنوتیک وجود دارد؛ اما نشانه‌شناسی معاصر به طور کامل مستقل از هرمنوتیک تحول یافته است. نشانه‌شناسی مدعی است، پیش از آنکه نظریه‌ای در باب تأویل باشد،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۳۱

قرار می‌دهند.
۳. سنت زبان‌شناختی؛ که به‌ویژه در فرانسه چیرگی داشت، در واقع کمایش با جنبش ساختارگرایی یکی است. برخی برای آن که به ویژگی خاص آن اشاره کنند، از اصطلاح سمیولوژی دوسوسور و نه سمیوتیک استفاده می‌کنند. وجه مشخصه اصلی نشانه‌شناسی فرانسوی این است، که به طور تنگاتنگی به الگوی زبان‌شناختی ساختاری وابسته است؛ حتی تا آن‌جا پیش می‌رود که رابطه میان نشانه‌شناسی و زبان‌شناختی را واژگون کرده و نشانه‌شناسی را فقط جنبه‌ای از زبان‌شناختی می‌داند؛ زیرا این سنت معتقد است که در واقع همه‌ی نظام‌های غیرنشانه‌ای را زبان مقدّر کرده است و نشانه در ذهن، همچون زبان، بازشناسی می‌شود (گیرو، پییر، ص ۱۵۲-۱۵۴).

دسته‌بندی‌های گوناگونی از نشانه‌ها تابه امروز ارائه شده‌اند و هر یک سویه‌های متفاوتی از ویژگی‌های آنها را در نظر داشته‌اند. در این میان دسته‌بندی پیرس، شهرت بیشتری دارد. او نشانه‌ها را به سه گونه دسته‌بندی نموده است:

- (*) گونه اول دسته‌بندی نشانه‌ها بر اساس موقعیت درونی آنهاست. به این شکل، نشانه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:
۱. نشانه‌های درونی و کیفی (جزئی از کل)؛ شیشه ویترای یک کلیسای سده‌های میانه، الگوی گل نیلوفر در بنای پارسه؛
 ۲. نشانه‌ی کلی؛ تمامیت یک ساختمان همچون یک نشانه، تصویر یک فرد؛
 ۳. نشانه‌ی قراردادی؛ چراغ راهنمایی.

(*) دسته‌بندی دوم بر اساس نسبتی است که نشانه‌ها با مورد تاویلی می‌سازند. بر این اساس نشانه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

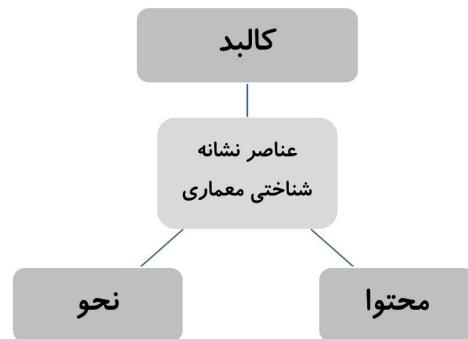
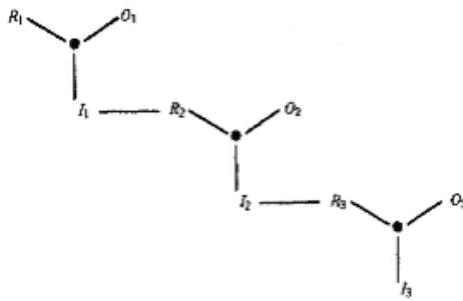
۱. نشانه همچون گزاره؛ تابلویی با تصویر دو کودک به معنای اینجا محل عبور کودکان؛
۲. نشانه همچون ترکیبی از دو یا چند نشانه دیگر؛ همچون روایتی که سه تصویر در پی یکدیگر آن را کامل می‌کنند؛

را می‌سازند، محتوای ذهن هریک از آن‌ها را آشکار می‌کنند. ترکیب ذهن با نوع خاصی از رمزگان نشانه‌ای، نکته‌ای بود که به دوسوسور جسارت داد، طراحی یک علم جدید را انجام دهد؛ که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی پرداخته و بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی عمومی باشد؛ که به آن نشانه‌شناسی لقب داد (کایلی، پل و لیتز، یانتس، ۱۳۸۰، چاپ اول، صص ۹-۱۴). سوسور در مقایسه با پیرس محدودیت‌های بیشتری برای نشانه‌شناسی قائل بود. از دیدگاه او نشانه‌ها تنها در زمینه‌ی دستگاه‌های قراردادی ارتباط کلایی دارند. به عبارتی تنها آن دسته از نشانه‌ها که بنا بر قرارداد به معنایی ویژه دلالت می‌کنند، نشانه دانسته می‌شوند. آثار لوی اشتراوس، میشل فوکو، ژاک لاکان و رولان بارت در و نیز پژوهش‌های تزویتان تودورووف، ژولیو کریستوا، ژرار ژنت، امبرتو اکو، کلود برمون و ژولین گرماس در سخن ادبی و زیبایی‌شناسی، باعث شد که نشانه‌شناسی به عنوان روش پژوهش و تحلیل آثار هنری از دهه‌ی ۱۹۵۰ به این سو به کار رود.

رویکردهای نشانه‌شناسی

آثار نشانه‌شناسی را در سه رویکرد اصلی می‌توان دنبال کرد:

۱. سنت فکری لاك، پیرس و چارلز موریس (۱۹۸۳)؛ که نقطه شروع آن یک نظریه‌ی عمومی در باب نشانه‌های (نشانه‌هایی که می‌توانند طبیعی یا قراردادی، انسانی یا غیرانسانی باشند). آرمان نهایی این سنت پی‌ریزی یک نظریه‌ی عمومی در باب پدیده‌های ارتباطی است. در این چشم‌انداز، زبان انسانی، همچون یکی از چندین نظام زیستی دلالتی و ارتباطی جلوه می‌کند.
۲. سیبرننتیک و نظریه اطلاع؛ این رویکرد در فرانسه در آثار آمول بازنمود شده است. اما به‌ویژه در دهه‌های شصت و هفتاد در شوروی تکوین یافته است. در این چارچوب، لوتمن نوعی سنخ‌شناسی را پیشنهاد می‌کند؛ که در آن، فرهنگ‌های خاستگاه‌گرادر مقابل آینده‌گر، نشانه‌گرادر مقابل نشانه‌ستیز، متن‌گرادر برابر رمزگرا و فرهنگ‌های اسطوره‌گرادر برابر فرهنگ‌های علم‌گرا



نمودار ۸. عناصر نشانه شناختی معماری؛ مأخذ: نگارندگان. و نمودار ۹. (سمت چپ) فرایند تبدیل هر تفسیر به بازنمایی جدید؛ مأخذ: Merrell، ۱۹۹۷

آشنایی ندارم، سخنان فردی که به این زبان حرف می‌زند، برابر نهادی در فارسی ندارد. من تنها آوا (دال)‌هایی می‌شنوم. اما این آواها برای من، به چیزی یا معنایی (مدلولی) دلالت نمی‌کنند. به تعبیری گستره‌ی معناشناسهانه در مورد نشانه‌های نمادین به گونه‌ای متفاوت از دیگر نشانه‌ها وجود دارد. اگر با قراردادها آشنا نباشیم، معنا برای ما ساخته نمی‌شود و مسیر حرکت به جلو برایمان بسته است. سوسور تنها این دسته آخر یعنی نشانه‌های نمادین را مورد توجه قرار می‌داد. به این معنی که آنچه برای او اهمیت داشت، سویه‌ی قراردادی نشانه‌ها بود. اما پیرس نشان داد که گاه نشانه‌ها بر اساس منش چند سویه‌ی خود، ترکیبی از شمایلی، نمایه‌ای و نمادین می‌باشند؛ همچون آمیزه‌ای از هر سه. چنانکه پیشتر نیز گفته شد، این دسته‌بندی و نیز دیگر دسته‌بندی‌های ارائه شده از نشانه‌ها، هر یک سویه‌های متفاوتی را در نظر داشته و بر جسته نموده‌اند.

عناصر نشانه شناسی معماری

در فضاهای مختلف ساخته شده، کالبد آن نقش دال و فضای ایجادشده مدلول است که مجموعاً یک نشانه معمارانه، راشکل می‌دهد و آنچه این نشانه‌ها را از هم متمایز می‌سازد. همان تفاوت در بعد نشانه شناختی آنها- یعنی کاربرد، معنا و نحو- است که در ارتباطی متقابل با هم، تمایز نشانه‌ها را می‌سازند. در طراحی هر فضا بسته به نوع کاربری آن به یکی از جنبه‌های نام برده بیشتر توجه می‌شود. وجه کاربردی

۳. نشانه همچون بیان دو گزاره؛ تابلوی راهنمایی به معنای چون جاده باریک است، پس سبقت گرفتن ممنوع می‌باشد.

(*) دسته‌بندی سوم پیرس مشهورترین دسته‌بندی اوست و بر اساس آن، نشانه‌ها به سه گونه شمایلی، نمایه‌ای و نمادین تقسیم می‌شوند:

۱. نشانه‌های شمایلی بر اساس شباهت نشانه با موضوع استوارند. همچون تصویر یک شخص، ماكت یک پل، نقشه یک ساختمان؛

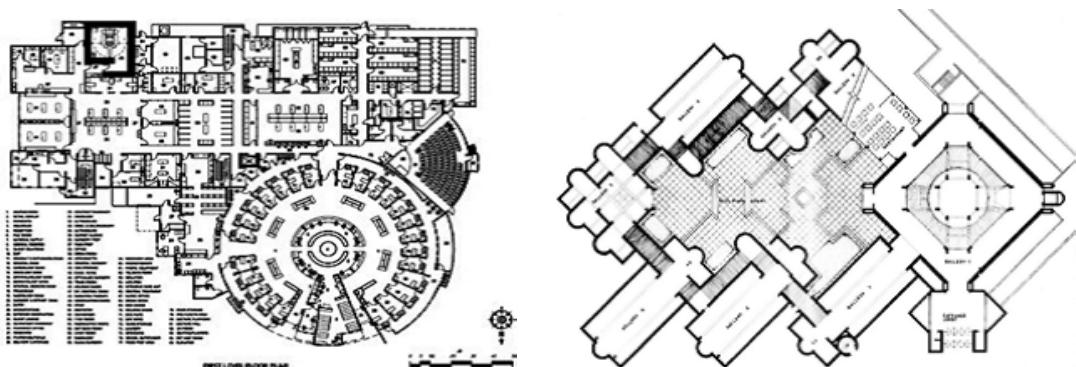
۲. نشانه‌های نمایه‌ای بر اساس گونه‌ای نسبت درونی وجودی و در بیشتر موارد علت و معلولی شناخته می‌شوند. وجود تب نشان بیماری، ردپا نشانه عبور یک فرد، بخاری که از فنجان برمی‌خیزد، نشانه داغی محتویات آن می‌باشند؛

۳. نشانه‌های نمادین بر اساس قراردادهای از پیش تعیین شده و گاه ناؤشته استوارند. نشانه‌های موجود بر نقشه‌های ساختمانی، الفبای مورس و نتها موسیقی از این دست نشانه‌ها می‌باشند. اگر با این قراردادهای از پیش تعیین شده آشنا نباشیم، راهی به گستره‌ی معناشناسهانه آنها پیدا نمی‌کنیم.

به عبارت دیگر نشانه برای ما معنایی نخواهد داشت. برای نمونه اگر بر روی نوشته‌ای که با خط بریل نوشته شده است دست بکشیم، جز پستی و بلندی چیزی در ک نمی‌کنیم. چرا که با قراردادهایی که پیش تر تعیین شده‌اند و معنای آن پستی و بلندی‌ها را می‌آفرینند، ناآشناییم. برای من که با زبان آلمانی



نمودار ۱۰. روش بازنمایی نشانه در شهر؛ مأخذ: ماجدی و سعیده زرابادی، ۱۳۸۹، ص ۵۵.



تصاویر ۲ و ۳. شکلگیری فضاهای معماری با خصوصیات و اثرگذاری خاص بر مخاطب، براساس تمایز وجهه نشانگی در ایجاد فضای معماری: الف- اهمیت سیالیت و سیرکولاسیون در طراحی فضای موزه براساس کاربرد و فعالیتهای رایج در این نوع بنا (پلان موزه هنرهای معاصر)؛ ب- اهمیت روابط و نوع چیدمان فضاهای در بنا با کاربری بیمارستان، براساس عملکردهای موردنظر در این نوع خاص از بنا (نمونه ای از پلان بیمارستان).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۳۳

یا تغییر دهد. زبان اساساً یک قرارداد اجتماعی است و فرد برای ارتباط با دیگران باید آن را در تمامیت‌ش بپذیرد. ولی گفتار در مقابل زبان، اساساً یک فعل فردی مربوط به انتخاب و فعلیت بخشیدن است و به‌تعبیری، گفتار یک فعل ترکیبی است؛ که با فعل افراد مرتبط است؛ نه صرف آفرینش‌های زبانی آنان.

۲. دال و مدلول؛ دال و مدلول از اجزاء نشانه‌شناسی هستند. دال یک واسطه است و حتماً به ماده و موضوعی نیاز دارد و جوهر دال، همیشه مادی است (صدای، اشیاء، تصاویر و تخیلات) و مدلول نیز در پس دال قرار دارد و فقط از طریق دال می‌توان به آن دست یافت و آن چیزی است که از مدلول فهم می‌شود.

۳. همسازه و نظام؛

۴. تطابق و تضمن

دستگاه‌های نشانه‌شناسی معماري

از نظر بارت مدلول نه تنها آنچنان که سوسور مطرح

نشانگی که به واسطه نوع کاربری و فعالیتها شکل می‌گیرد، در پیکره‌بندی فضا و به تبع آن در پلان معماری آن نمود بیشتری دارد. فعالیتهای رایج در هر فضای معماری، نوع ارتباط فضاهای را شکل داده و بیشتر در مقیاس بنا قابل شناسایی می‌باشد؛ بعنوان مثال الگوهای رفتاری رایج در یک بنا با کاربری موزه اهمیت سیرکولاسیون و تداوم عملکردها را برای طراح اهمیت می‌بخشد، حال آنکه در پلان یک بیمارستان نوع فعالیتهای و عملکرد بنا نیازهایی متفاوت را طلب می‌کند که این تفاوت بیشتر در پلان معماری خودنمایی کرده و در هنگام استفاده از فضای مخاطب قابل ادراک است (فلاحت، ۱۳۹۱، ص ۲۰).

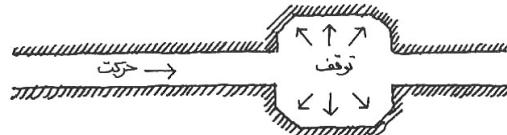
عناصر نشانه‌شناسی را می‌توان در چهار عنوان اصلی گروه‌بندی کرد (بارت، رولان؛ ص ۱۵):

۱. زبان و گفتار؛ زبان به عنوان یک نماد اجتماعی و نظام ارزشی است که خود فرد نمی‌تواند آن را خلق کند

نظریه متفاوت از هم بود:
۱. «نظریه رمزگان»: به نشانه‌شناسی خاصی اطلاق می‌شد که وظیفه آن پرداختن به سازوکارهای دلالت معنایی متون است.

۲. «نظریه کدها»: در برگیرنده کاربرد همگانی زبان، تکامل رمزگان، ارتباط زیبایی‌شناسی و درک رفتارهای متقابل ارتباطی است و کاربرد آن برای فهم معنای چیزها و وضعیتهاست.

سرانجام این دریداست که در فاصله دهه‌های زندگی فلسفی خویش مسیر نشانه‌شناسی و طرز تلقی جامعه بشری از آن را دچار تحولات شگرفی می‌کند. از آنجا که کنش دلتگری استوار بر تمایزی است که قبل از نیز از سوی فردینان دوسوسور مطرح شده بود و از سوی دیگر مدلول هیچگاه با خود چیز اینهمانی ندارد دریدا مفهوم شکاف بین معنا و موضوع را تحت عنوان difference مطرح کرد. این واژه تغییر یافته واژه difference فرانسوی است که معنی تفاوت و تمایز difference را می‌رساند. لذا بنا بر قرار داد از این به بعد در این مقاله بجای واژه difference از معادل «تفاوت» در تمایز با «تفاوت» در فارسی استفاده خواهیم کرد. این شکافی است که هیچگاه اجازه نمی‌دهد به صورت مستقیم به معنا دسترسی داشته باشیم. در واقع همین شکاف باعث به تعویق افتادن معنا می‌شود. دریدا از عنوان سلسله پایان ناپذیر مدلول‌های بارت برای بیان مرگ مولف و مفهوم تفاوت برای بیان مرگ



تصویر ۴. فضاهای حرکت و مکث یادآور حرکت در مسیر سلوک عرفانی؛ مأخذ تصویر: توسلی، ۱۳۷۱، ص. ۴۹. بنقل از کرده بود بدیلی یکه و نهیه ای دلهم نسبت، بلکه هیچگاه دست یافتنی نیست. این امر بعدها توسط ژاک دریدا بسط و گسترش بیشتری یافت و در هیئت مفاهیمی چون «به تعویق افتادن معنا» تجلی و بازنمود دباره پیدا کرد. مفهوم رشته پایان ناپذیر و دست یافتنی معانی باعث شد تا بارت به خواننده و پرسوه خوانش به عنوان فرآیندی کاملاً خلاقه در راستای بازسازی متن و تولید و گسترش نشانه‌ها اهمیت مضاعفی داده و مرگ مولف را مطرح کند. با تعریف هستی به مثابه متن، قابلیت خوانش آن را توسط مبانی نظریه نشانه‌شناسی مدرن به دست می‌دهد. نظریات بارت پایه تفکرات پس از خاترگرایان گردید که سرانجام به طور کامل توسط نظریه پردازانی چون دریدا، و کریستوا تئوریزه شد. امerto اکواز دیگر متفکرانی است که به مقوله نشانه‌شناسی به صورتی بنیادین و امروزی پرداخت. او در تعریف نشانه‌شناسی گفته بود نشانه‌شناسی علمی است درباره دروغ و بدینسان بسیار بیشتر از سوسور ماهیت ارجالی بودن نشانه‌ها و تاثیر پذیری آنها را زمینه‌های اپیستمولوژیک و فرهنگی جوامع بیان کرد. از نگاه «اکو» وظیفه کلی نشانه‌شناسی پایه گذاری دو

میری شهری

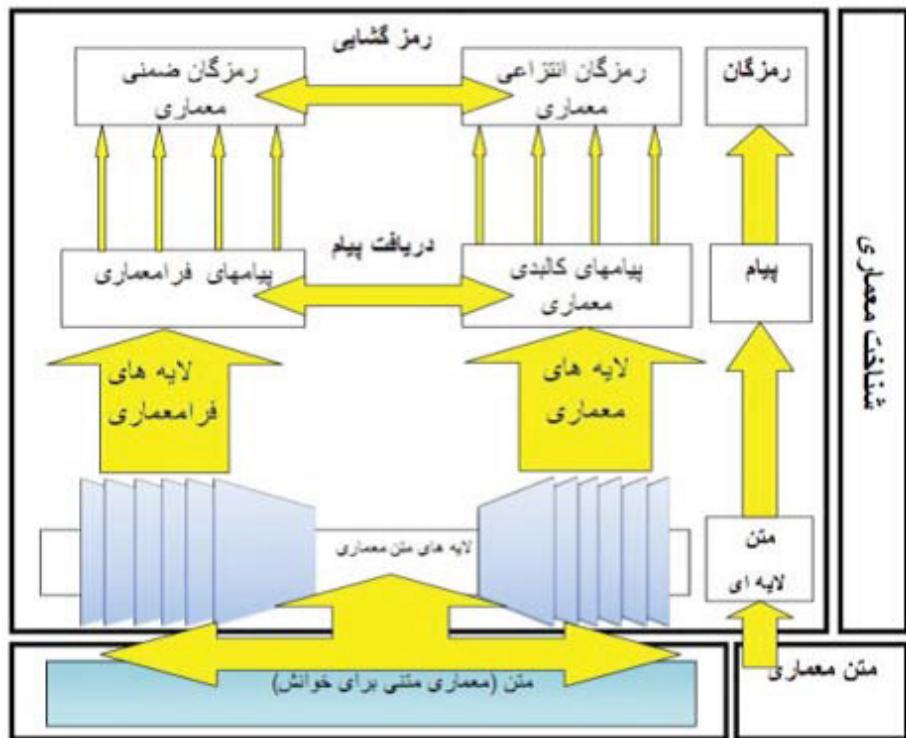
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۳۴

جدول ۱ و ۲. مفهوم نشانه‌شناختی عناصر معماری و معنای آنها و معنای ایوان؛ مأخذ: میرشاهزاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۹ و ص. ۱۴.

نوع فضا	نام	عناصر طبیعی و شبیه طبیعی	نقش فضا در سازمان	فضایی
باز	آب	نو رأ قاب	نقوش تجربی گیاهان	کانون طبیعی
سرپوشیده	ایوان	روشنایی نور	نقوش های اویخته - تجربی	کانون موزی - بیوندی
بسه	گبدخانه	اشعة نوری	نقوش تجربی گیاهان	کانون شبیه طبیعی

معابر	سطح (ابدیهیات)	سطح (از رشته‌های فرهنگی)	سطح (آجرهای بینی)
جایگاه ممتاز برای نظاره	تصور یا تداعی جایگاه بزرگان در	فضای شگفتی آفرین که واقعیات از	زمینه باع
زمینه	مکانی دگرگون کننده که به	مکانی محل و دگرگون	نمونه باع آرمانی
آزادگاه	تداعی باع آرمانی می‌پردازد	تداعی باع آرمانی	نمونه ای باع آرمانی
عالی خیال	درگاه باع خیالیں	درگاه باع آرمانی	جایگاه ممتاز



نمودار ۱۱. شناخت متن معماری، نشانه‌شناسی پس از اختارگرایی برای معناسازی متن، مأخذ: دباغ، ۱۳۹۰.

مدیریت شهری

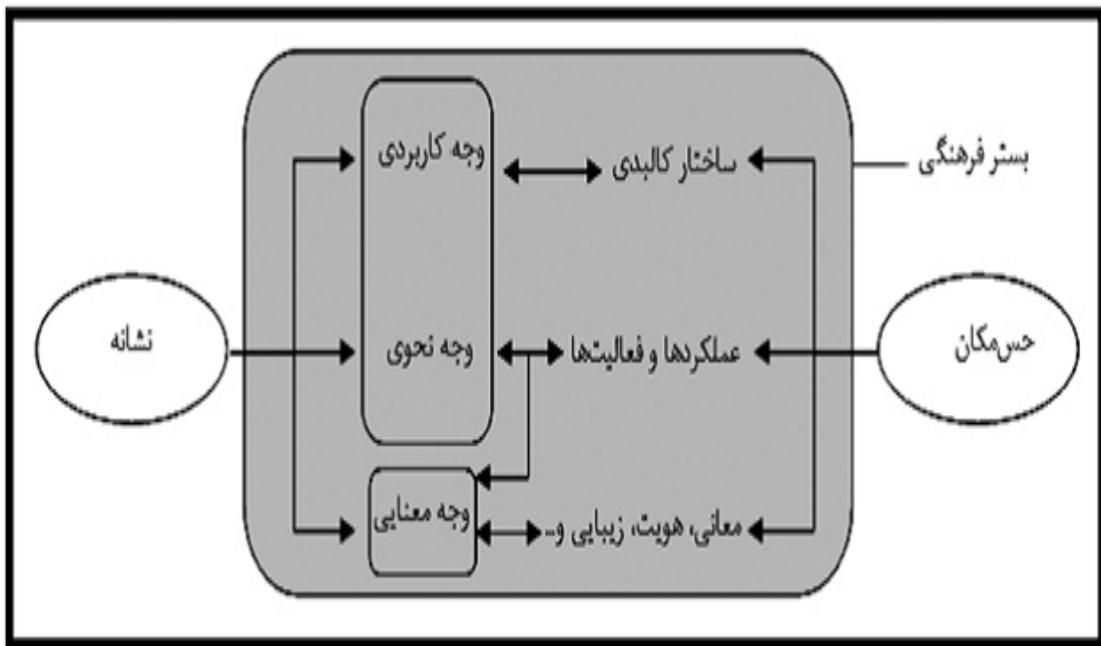
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۳۵

واسازی حرکتی است تحلیلی که از طریق آن عناصر به حاشیه رانده شده تاریخ به میانگاه متن می‌آیند و دیگر عناصری که تاکنون در مرکزیت متن قرار داشته اند سالاریت خود را از دست داده و حاشیه را تجربه می‌کنند. او این مفهوم را با دیگر با پیش کشیدن «متافیزیک حضور» عنوان کرد. از دید دریدا یکی از تقابل های دوگانه و پایه در تفکر فلسفی غرب مفهوم حضور و غیاب است که از نظر دریدا در تفوق دیرینه گفتار بر نوشتار تجلی کامل یافته است. در واقع غرب با انتخاب گفتار بر نوشتار تاکید خود را متوجه حضور و درک حضور مند از هستی کرد. به همین دلیل هر آنچه که مربوط به جنبه غیاب می‌شد از منظر فلسفه غرب دون پایه و مذموم شمرده شده است. دریدا معتقد بود که سوسور با تعریف تقابل هایی مانند، همزمانی- درزمانی، گفتار- نوشتار، همنشینی- جانشینی بار دیگر در دام متافیزیک حضور فلسفه غرب گرفتار شد (نمودار زیر).

در بسیاری از آثار معماری نیز از نشانه های نمادین که

معنا استفاده کرد. از سوی دیگر او با تعریف تقابل های دوگانه ای که بشر از آغاز به عنوان کدهای رمزگذار از طریق آنها هستی را به تعریف نشسته، توانست به رمز اصلی نگرشاهی ارزشگذارانه انسانی در حوزه های مختلف علمی فرهنگی و غیره دست یابد. بر این اساس سیستم فکری و بینش های بشر چیزی نبود جز مجموعه ای از کدهای متقابل که نه تنها در تقابل با یکدیگر قرار داشتند بلکه از سوی دیگر، گونه ای از ارزشگذاری مابین آنها حاکم بود. او همچنین به این مطلب پی برده بود که تعریف یکی در فقادان دیگری صورت می گیرد و این امر همواره به مسلط شدن گونه مثبت این تقابل ها می انجامید. برای نمونه در تقابل دوگانه مردانه، زن بودن همواره تعریف خود را از نبود و فقدان عناصر نرینگی بدست می آورد و در واقع همین دلیل اصلی تسلط گفتمان مذکور در تمام طول تاریخ بشر شده بود. از این منظر دریدا متن واسازی شده رامتنی می دانست که سالاری یک و چه دلالت بر سایر وجوده مسلط از بین می رود. در واقع از این لحاظ



نمودار ۱۳. ارتباط نشانه شناختی و حس مکان؛ مأخذ: فلاحت، ۱۳۹۱، ص ۲۳.

میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۳۶

نماد، نمادپردازی می‌شود که من جمله قویترین و کاربردی ترین ابزارهای بیانی به شمار می‌رود. بنابراین در هنرهای دینی بویژه معماری که مهم ترین هنرهای دینی است (چراکه معماری دینی جایگاهی را برای تفکر و عبادت بشر فراهم می‌آورد که لازمه زندگی اعتقادی است)، سمبولیسم محور مشترک هنرمند، اثر و مخاطب اثر محسوب می‌شود زیرا در هنر دینی، جهان انعکاس حقیقت الهی است پس هنر دینی مقید به تقیید از طبیعت نیست چراکه طبیعت جز سایه‌هایی روی دیواره غار نیست و در صورت ارجاع به طبیعت مادی، هنر دینی عمق و محتوای ماورایی خود را ازدست داده و به عکسی از صناعات بشری تنزل می‌یابد لذا نماد و استفاده از آن منطق بازدارنده این رخداد است. نماد، نشانه‌ای است که بشر در طول تاریخ برای بیان مفاهیم عمیق و غیرزمینی خود بکار گرفته است. نماد به معانی و مفاهیمی والاتر و وسیع تر از آنچه می‌نماید اشاره دارد؛ مفاهیمی که بیان مجرد آنها در حد قدرت درک بشری نیست و بنابراین می‌توان گفت: نماد واسطه‌ای

براساس قرارداد یا قاعده به مصداقش مربوط می‌شود، استفاده شده که با وابستگی به زمینه و یا ریشه‌های روانی برای مخاطب قابل تأویل و تعبیر می‌باشد؛ بنابراین آنچه در معماری به عنوان عامل معنasaز نشانه قابل شناسایی است، در هر سه قالب شمايل، نمایه و نماد می‌تواند نمود يابد. اما بدیهی می‌نماید که هیچ نشانه‌ای نمی‌تواند شمايلی، نمایه‌ای، یا نمادین باشد و در واقع، هر نشانه ترکیبی از هر سه نوع نشانه است که در هر مورد، بر دو تای دیگر چیرگی دارد (لنگ، ۱۳۸۹، ص ۳۴).

نشانه‌شناسی در معماری و شهرسازی اسلامی
هنر دینی نتیجه تلاش هنرمند معتقد برای بیان اصول و مفاهیم دینی در قالب هنر است، بطوری که نتیجه کار او فارغ از هرگونه برداشت شخصی و زمینی قرار گیرد. این فعل بر زمینه‌ای که در آن هنرمند، اثر و مخاطب اثر هر سه در یک راستای مشخص که همانا القاء، بیان و فهم ساده مفاهیم قدسی است قرار می‌گیرد، لذا هنرمند دینی برای انجام این مهم نیازمند



تصویر ۵. (سمت راست) قرینگی در محور باغ شاهزاده ماهان و تصویر ۶. (سمت چپ) تقسیم بندی چهارگانه اب در باغ ایرانی فین کاشان و تمثیل چهار نهر بهشتی؛ مأخذ: آرشیونگارانده.

مدیریت شهری

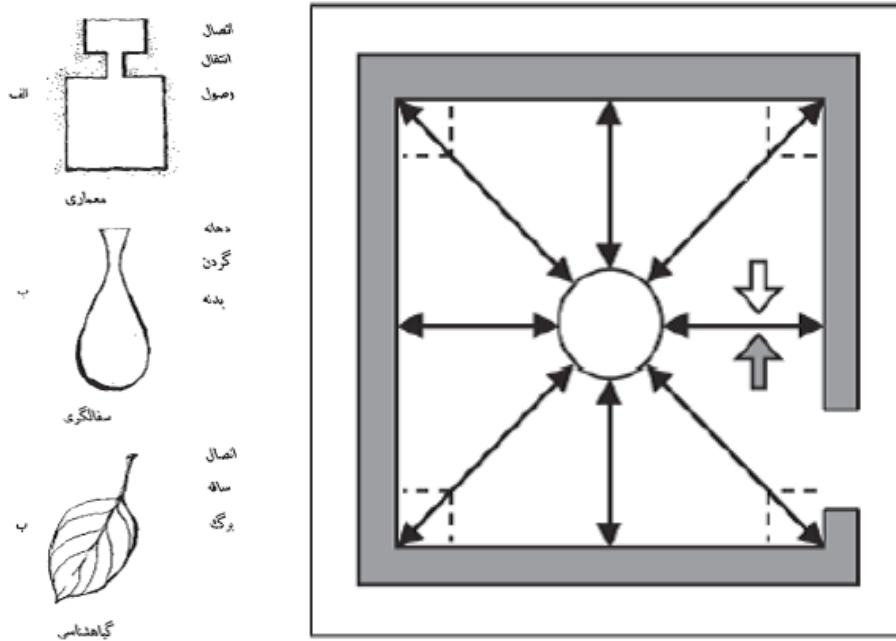
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۳۷

این مقدمات، مدخلی مناسب برای بررسی عناصر ساختاری معماری مسجد و مفاهیم نمادین آن است. در جامعه اسلامی، جامعه‌ای که در آن سنن اسلام حاکم است، هرجزء از زندگی من جمله هنر و معماری در ارتباط با اصول روحانی و اسلامی است و هنر مستقیم ترین تجلی اصول اسلام محسوب می‌شود و از آنجایی که ارتباط با کیهان‌شناسی ویژگی مشترک میان تمامی سبک‌های معماری سنتی محسوب می‌شود و چون هنر معماری در پی ایجاد جایگاهی برای زندگی انسان به بهترین شکل است، لذا تلاقی انسان، کیهان‌شناسی و معماری در تمدن اسلامی مسجد به معنی محل سجده نامیده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که همین رابطه میان انسان، کائنات و کیهان و معماری، اساسی ترین لازمه آشنایی و درک معماری اسلامی می‌باشد: رابطه‌ای که ریشه در مفهوم وحدت دارد، چرا که از دیدگاه سنت گرایان کل هستی خود نشانه‌ای از هنر مقدس است: خلق‌الهی. در اولین عنصر ساختاری در بدرو ورود به مسجد در و مفهوم نمادین آن راهی است که به ملکوت خداوند

است میان فهم انسانی و عالم ربانی. از جهتی از مرتبه خود نزول کرده تا به فهم انسان درآید و از طرفی دیگر موجب ارتقا درک بشر می‌شود و این لازمه هنر دینی و حتی خود دین است همچنان که در تمامی کتب مقدس از زبان اشاره و تمثیل و از طریق نمادپردازی، اصول و حقایق قدسی بیان شده است.

بهترین نمود آن تأثیرپذیری از منابع و اثرگذاری در جان مخاطب را در مساجد اسلامی می‌توان یافت. مساجد اسلامی، جلوه‌ای از زیبایی‌های بصری و نمونه بارزی از تلفیق فرم‌های نمادین با باورهای عمیق اعتقادی است. این معانی همچون منابع الهامشان جز با سمبلهای و تشییهات به بیان در نمی‌آیند، چنانچه قرآن و دیگر متون دینی برای بیان حقایق معنوی به زبان رمز و اشاره سخن می‌گویند (احمدی ملکی، ۱۳۸۴، صص ۱۳۶-۱۳۵). این عناصر نمادین قادر هستند از تعالی فردی و وحدت لحظه‌ای با الوهیات حمایت واسطه آن شود. برخی صاحبنظران، چنین هنری را عرفان دیداری قلمداد کرده‌اند، ویژگی‌هایی که فقط در هنر دینی می‌توان نشانی از آن یافت (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱).



تصویر ۷. خانه کعبه فضایی کاملاً متعادل و ایستا؛ مأخذ: منان ریبیسی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۸۵ و تصویر ۸.

(سمت چپ) اصل همبندی فضایی به عنوان نمونه‌ای از رمز پردازی استنباطی با استفاده از شمایل‌های طبیعی؛
مأخذ: اردلان و بختیار، ۱۳۸۰.

میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۳۸

گشوده می‌شود. الگوی کیهانی در که اساساً گذرگاهی از جهانی به جهانی دیگر می‌باشد، بیشتر از مقوله «زمانی و دوری» است، از این‌رو، درهای آسمان، یعنی درهای انقلاب شمسی، درهای گشوده بر زمان انقطاع‌های دوری است (مدپور، ۱۳۸۳، ص ۶۶). در اصطلاحات عرفانی «در» نمودی از مطالعه و محو اعمال گذشته و تکاپو در سیر به سوی خدا و تمکین از احکام سلوک و آثار وجود در راه محبوب است (سجادی، ۱۳۷۰، ص ۲۸۱)، باب الأبواب نیز در تعابیر عرفانی به معنای توبه است، زیرا توبه، نخستین چیزی است که انسان به وسیله آن وارد در قرب می‌شود (همان، ص ۱۷۷).

قوس

وفور عنصر قوس در معماری مسجد، آن را به عنوان اصل لایتحزای معماری اسلامی تبدیل کرده است. ریشه یابی معنای این واژه، پیوند ماده و معنا را در معماری اسلامی به نمایش می‌گذارد.

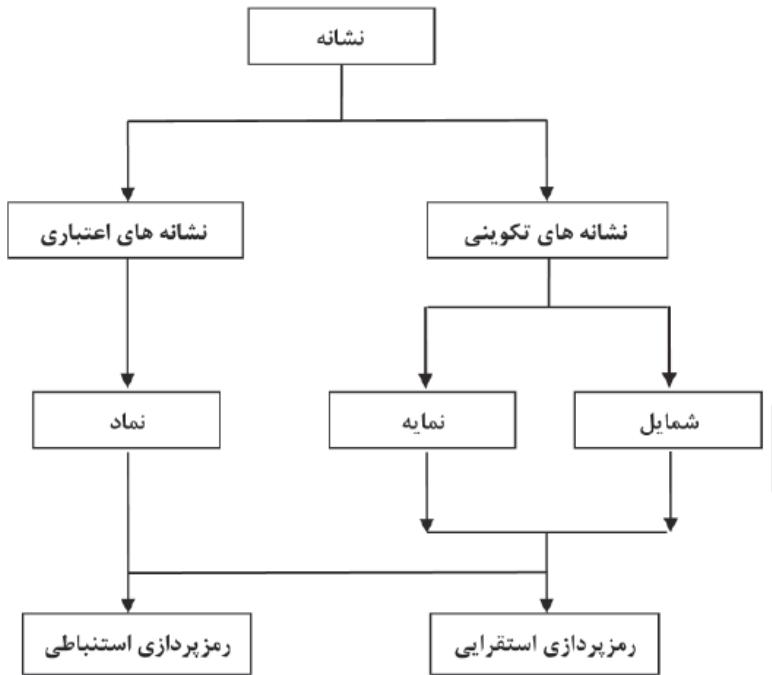
گنبد

گنبد، سمبل آسمان است و به دلیل انحنایش، نشان روح و عالم مجردات تلقی می‌شود. از قدیم الایام

محراب

محوری ترین بخش در معماری مسجد، محراب است. این واژه به معنای محل جنگ و جهاد است. از منظر «راغب اصفهانی» در المفردات، محراب از آن‌رو که محل

نبرد با شیطان و هوای نفس است، این نام را به خود گرفته است. اما محراب نه تنها محل جهاد با نفس که پناهگاه امن و قرارگاه و آسایش روح است (بلخاری



نمودار ۱. ارتباط نشانه و رمزپردازی در معماری و شهر اسلامی؛ مأخذ: منان ریسی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۹۲.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۳۹

رهنمون می سازد (هوشیار، ۱۳۸۰، ص ۶۷۴).
نتیجه‌گیری و جمع‌بندی
فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از یکسری نشانه‌هاست که رمزگانه‌ای را تشکیل می‌دهند و این رمزگانها نیز یک نظام نشانه‌ای را به وجود می‌آورند. در مطالعه فرنگ و چشم‌اندازهای فرنگی یک نشانه به تنها یافته نمی‌شود بلکه در کنار و همراه با دیگر نشانه‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. چون نظم‌های نشانه‌ای با یکدیگر تعامل داشته و همه باهم در ارتباطند؛ لذا در تحلیل نشانه شناختی چشم‌اندازهای فرنگی باید وجود نظم‌های نشانه‌ای را در نظر گرفت. امروزه شکل‌گیری، تغییر و سازمانیابی ساختارهای مکانی فضایی به عوامل متعددی مثل اقتصاد، فرنگ، سیاستهای بین‌المللی و ارتباطات جهانی مربوط می‌شود. در واقع منطق نشانه‌شناسی چشم‌اندازهای انسانی، منطق معرفت به شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرنگی نظامهای حاکم در دوره‌های زمانی مختلف است که چشم‌اندازهای فرنگی متفاوتی را به وجود

در تمامی فرهنگ‌ها، دایره، تمثیلی از جهان روحانی و نماد تمامیت و کمال بوده است. عامل مهم دیگر در زیباشناسی گنبد، استفاده از رنگ در جلوه‌های زیباشناسان آن است. رنگ‌های سرد و رام آبی، سفید و جز آن سبب تحرک قوت عقلند و به نفس بیداری می‌بخشند (بلخاری قهی، همان، ص ۳۸۵).
مناره

مناره عنصر مسلط بر کالبد شهر و نمادی از عروج، نور و هدایت است. در واقع هم نمادی بصری، هم سمبول نخستین و اساسی‌ترین حالت نمازگزار قیام به شمار می‌آید (نقی زاده، همان، ص ۱۳۲). مناره، نامش را از نور گرفته و نور عنصری مهم در معماری است تا جایی که خداوند نیز در بنای این جهان خود را نور زمین و آسمان خوانده «الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» بدین ترتیب، نور عامل روشنایی و هدایت و مناره‌ها، جایگاه این نور و روشنایی‌اند. عناصر تزیینی این محمل عروج بهشت را پیش چشمان نظاره‌گران می‌آورد و انسان خاکی را به آسمان بیکران و واقعیت‌های روحانی آن

جدول ۳. چگونگی ادراک معانی و تفسیر معانی نشانه‌ها با رویکردهای مختلف؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

رویکردهای مطرح در ادراک نشانه‌ها	مبنای تفسیر نشانه‌ها
رویکرد روانکاوی	تداعی حاصل از طرحواره‌های ذهنی ناشی از کهن‌گوها
رویکرد رفتارگرا	تداعی حاصل از فرایند تعویت-تکرار
رویکرد اکولوژیک	تداعی حاصل از آموخته‌های اجتماعی پذیر
رویکرد سیماشناختی	تداعی حاصل از اصول فرم‌شناسی

جدول ۴. شاخصهای مورد نظر نشانه شناختی در معماری و تحلیل شهر؛ مأخذ: بر اساس یافته‌ها و تطبیق با روش، ۱۳۹۴.

تمایزات بنیانی در شکل‌گیری انواع رمزگان‌ها	شاخص‌های عملیاتی رمزگان‌های اجتماعی	شاخص‌های عملیاتی رمزگان‌های زیبایی‌شناسی	شاخص‌های عملیاتی رمزگان‌های رمزگان‌های منطقی
<ul style="list-style-type: none"> - دلالت تلویحی (ضم‌منی- ذهنی) - نشانه چند معنا - فرآگیری کم (استفاده توسط کاربران کمتر) - مبهم‌تر - ارزش نشانه محدود (به تناسب کاربران تنوع معنای کمتر) - چند ساختاری (عدم وضوح در ساختار) - غیر انگیختگی (ارتباط چندگانه بین دال و مدلول) - رمز گشایی دشوارتر 	<ul style="list-style-type: none"> - دلالت تصريحی (عینی) - نشانه تک معنا - فرآگیری زیاد (استفاده توسط کاربران بیشتر) - دقیق‌تر - واجد ساختار مشخص (تعريف شده) - انگیختگی (رباطه بارز بین دال و مدلول) ○ انگیختگی درونی (همانندی در محتوى) ○ انگیختگی بیرونی (هم شکلی در صورت) - رمز گشایی آسان‌تر 	<p>ماهیت: فرد توسط نشانه، هویت و تعلق خود را به گروه یا سازمانی مشخص می‌نماید، اما در عین حال او هم حامل نشانه است و هم جوهرش و آن را نهادینه می‌کند. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و کنیش، کاربرد: هماهنگ کردن دامنه کاربرد: هماهنگ کردن</p> <p>ماهیت: غالباً منش شمایلی دارند، با افزایش همراهند (قدرت آفرینش‌گی بالا)، نشأت گرفته از تجربه احساسی. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و فرمان‌ها، بازنمایی ساختار عینی یک واقعیت پیچیده.</p> <p>ماهیت: براساس نظم‌آمیز از اصول بدینه و عینی طرح‌بزی شده‌اند. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و انسان با طبیعت.</p> <p>ماهیت: بروز انسانی از اصول افزاشی، انتقال چند وجهی معنا، وحدت پیام و ایزه (خود پیام، موضوع است).</p> <p>آنواع رمزگان زیبایی‌شناسی: هنر(نقاشی، سفالگری، مجسمه‌سازی، ...)، ادبیات و معماری....</p> <p>و ...</p>	<p>ماهیت: فرد توسط نشانه، هویت و تعلق خود را به گروه یا سازمانی مشخص می‌نماید، اما در عین حال او هم حامل نشانه است و هم جوهرش و آن را نهادینه می‌کند. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و کنیش، کاربرد: هماهنگ کردن</p> <p>ماهیت: غالباً منش شمایلی دارند، با افزایش همراهند (قدرت آفرینش‌گی بالا)، نشأت گرفته از تجربه احساسی. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و فرمان‌ها، بازنمایی ساختار عینی یک واقعیت پیچیده.</p> <p>ماهیت: براساس نظم‌آمیز از اصول افزاشی، انتقال چند وجهی معنا، وحدت پیام و ایزه (خود پیام، موضوع است).</p> <p>آنواع رمزگان زیبایی‌شناسی: هنر(نقاشی، سفالگری، مجسمه‌سازی، ...)، ادبیات و معماری....</p> <p>و ...</p>

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۴۰

دلالت‌کننده‌هایست، که علم نشانه‌شناسی شهر را پی‌ریزی می‌کند. زمانی که از شهر صحبت می‌شود، آن را ورای دیدن، سکونت و گشت و گذار در ک می‌کنیم. شهر محصول زمان است و در لایه‌های متعدد آن خصیصه‌های هر نسل ظهور می‌یابد. در تحلیل نشانه‌شناسانه، کشف معنا از طریق بازشناسی نظام‌های نشانه‌ای صورت می‌گیرد. این تفسیر از استعاره و مجاز به تشریح نشانه‌ها گذار می‌کند. این همان علم معانی است که با گسترش غیرقابل تصور، به مادر زمینه نشانه می‌آورند. با کشف معانی پنهان در چشم‌اندازهای شهر که می‌توان به مسائل پیچیده ساختارهای فضایی مکانی سکونتگاهها از جمله شهرها دست یافت؛ بنابراین، چون فرهنگ در طول زمان رسوب می‌کند، لذا از طریق چشم‌اندازهای فرهنگی که بخش از این رسوب گذاری فرهنگی است، می‌توان اجزای فرهنگ جوامع یعنی دین، سبک زندگی، اقتصاد و نظایر آن را شناسایی کرد. شهر ساختاری است که دلالت‌کننده‌ها را به کار می‌گیرد و این توجه خاص به چگونگی کاربرد

دل و الهامات اشرافی رهیافت‌های معنایی آنگونه آثار را بر مخاطبان آشکار می‌سازد. در بررسی نشانه‌شناختی معماری مسجد، شاخص دیگر معماری اسلامی که تلفیق بعد زیبایی شناسانه و بعد‌کاربردی است، نیز قابل درک است. تلفیق این ابعاد، هنر اسلامی را هنری هدفمند، کارآمد و معنادار ساخته است. نقش ملتهای مختلف و تأثیر ذوق و اسلوب هنری آنها در معماری مساجد، سبب شده که ویژگی دیگر این هنر یعنی جهان‌وطنی و سماحت نظر فرهنگ اسلامی در آثار هنری مجال بروز پیدا کند.

منابع و مأخذ

احمدی ملکی، رحمان (۱۳۸۴) فرمها و نقش‌های نمادین در مساجد ایران، هنر و معماری مساجد، به کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، نشر رسانش، تهران.

احمدی، بابک (۱۳۸۱) از نشانه‌های تصویری تامتن، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۱، تهران.
اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۸۰) حس وحدت، نشر خاک، اصفهان.

بارت، رولان (۱۳۷۰) عناصر نشانه‌شناسی، مجید محمدی، تهران، هدی، چاپ اول.
برند، باربارا (۱۳۸۳) هنر اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، مؤسس مطالعات هنر اسلامی، تهران.

بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۸) مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، سوره مهر، تهران.
چندلر، دانیل (۱۳۸۶) مبانی نشانه‌شناسی، پارسا، تهران، سوره مهر، چاپ اول.

خزائی، محمد (۱۳۸۱) نمادگرایی در هنر اسلامی: تأویل نمادین نقوش در هنر ایران، مجموع مقالات اولین همایش هنر اسلامی، مؤسس مطالعات هنر اسلامی، تهران.

دباغ، امیر مسعود و دیگران (۱۳۹۰) تأویل معماری پسامدمن از منظر نشانه شناسی، هویت شهر، شماره ۹. دستغیب، عبدالحسین (۱۳۵۷) صلوٰة الخاشعین، دارالكتاب، قم.

شناسی کمک خواهد کرد. فلسفه نشانه‌ها باید درک شود، نشانه شناسی در پی شناسایی فلسفه آن هاست، و تنها به چارچوب قواعد عمومی بین دلالت‌کننده‌ها و دلالت‌شوننده‌ها و ارتباط معمولی آنها بستنده نمی‌کند. رمزگان اجتماعی در شهر، توسط همگرایی با هنجارهای اجتماعی- فرهنگی که از پیدایش هسته اولیه شهر تاکنون حضور داشته و مشتمل بر اعتقادات و باورها، فرهنگ و آداب و رسوم، آئین‌ها و رسوم ملی و مذهبی و ارزش‌های حاکم بر جامعه است، نمود می‌یابد.

رمزگان‌های زیبایی شناختی در شهر، با همگرایی از طریق تلفیق با هنرهای بومی، که مصدق عینی ذوق هنری و خلاقیت افراد در کاربرد نقوش نمادین و شکل‌واره‌ها در صنایع دستی، نقاشی، مجسمه سازی، معماری‌باست، تجلی پیدا می‌کند. رمزگان‌های منطقی در شهر به واسطه همگرایی با عوامل طبیعی، از جمله موقعیت استقرار در طبیعت و سیر تحول کالبدی شهر در گذر زمان (انتظام ساختار فضایی شهر، استخوانبندی شهر، فضاهای شهری، گونه شناسی ابنيه، تصویر ذهنی از شهر) مشخص می‌شود. نهایتاً بر مبنای سامانه‌ای یکپارچه از رمزگان‌های سه گانه پیرسی، نظام‌های نشانه‌ای در شهر به نظام‌های معنادار تبدیل می‌شود. بررسی و تحلیل نشانه‌شناسان معماری مساجد و جستجوی معناکاویان عناصر ساختاری و تزیینی در هنر معماری را به شاخصه‌های معماری اسلامی و وجوده تمایز آن با سایر فرهنگ‌ها رهنمون می‌سازد. عمدۀ ترین شاخصه و وجه تمایز اساسی معماری مساجد در منابع الهام آن که همانا کلام وحی قرآن و حقیقت و روح سخن نبی اکرم (ص) و ائمه‌علیهم السلام نهفته است. غنای محتوایی و مبانی عرفانی آن هم از غنای منشأ و منبع الهام آن برمی‌خیزد. از این‌رو، در پیام هنرمند به طریق شهودی و از طریق دل، دلی که با کلام وحی و سیر نبوی و سیر معصوم مأنوس است، امکان پذیر می‌گردد. بسیاری از حکما و فلاسفه، مباحثی مفصل در معناکاوی معماری اسلامی و عناصر نمادین مسجد ارائه کرده‌اند که اذهان مخاطب را به سوی هدف متعالی و معانی نهفته در دل اثر رهنمون می‌سازد. با این حال،

- دینه‌سن، آنه ماری (۱۳۸۰) درآمدی بر نشانه‌شناسی،
مصطفیر قهرمان، تهران، پرسش، چاپ اول، ص ۱۱.
- رضایی، خداداد (۱۳۸۹) مبانی هنر، تصویر و تبلیغ،
موعود اسلام، قم.
- رضایی، علی (۱۳۸۲) جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی،
ثقلین، قم.
- رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۸) مکان و نقش فرهنگ در
شکل گیری هویت مکانی، نامه پژوهش فرهنگی، سال
دهم، دوره سوم، شماره ۶.
- رضوی، نیلوفر (۱۳۸۴) معماری مسجد، موسیقی نور،
هنر معماری مساجد، به کوشش دبیرخانه ستاد عالی
هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری
مسجد، نشر رسانش، تهران.
- روشن و شبیانی (۱۳۹۴) نشانه‌شناسی و معنایابی
مفاهیم عرفان‌شناسی در معماری و شهرسازی با
تلفیق عرفان اسلامی و رمزگان امیرتو اکو، مدیریت
شهری، شماره ۳۸.
- رید، هربرت (۱۳۷۱) معنی هنر، ترجمه نجف
دریابندی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- سجادی، جعفر (۱۳۷۰) فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات
عرفانی، کتابخانه طهوری، تهران.
- سجادی، فرزان (۱۳۸۳) نشانه‌شناسی کاربردی، نشر
قصه، چاپ دوم، تهران.
- سجادی، فرزان (۱۳۸۷) نشانه‌شناسی کاربردی، علم،
تهران.
- شايان‌مهر، علي‌رضا (۱۳۷۷) دائرة‌العارف تطبيقي علوم
اجتماعي، تهران، كيهان، چاپ اول، كتاب اول.
- شبستری، محمود (۱۳۸۲) گلشن راز، به تصحیح دکتر
کاظم‌دزفولیان، چاپ دوم، انتشارات طایله، تهران.
- ضیمران، محمد (۱۳۸۳) درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر،
نشر قصه، چاپ دوم، تهران.
- فلاح محمد صادق و نوحی (۱۳۹۱) ماهیت نشانه‌ها و
نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماري، هنرهای
زیبا، دوره ۱۷، شماره ۱.
- فیاض و سرفراز (۱۳۹۰) نشانه‌شناسی چشم‌اندازه‌های
فرهنگی در جغرافیای فرهنگی؛ راهبردی مفهومی برای
فهم و کشف معنا، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره
.۴.
- کایلی، پل و لیتزه، یانتس (۱۳۸۰) نشانه‌شناسی، محمد
نبوی، تهران، شیرازه، چاپ اول.
- گیرو، پی‌بر (۱۳۸۳) نشانه‌شناسی، محمد نبوی، تهران،
آگه، ۱۳۸۳، چاپ دوم.
- لنگ، جان (۱۳۸۹) آفرینش نظریه‌های معماری،
انتشارات دانشگاه تهران.
- ماجدی، حمید و سعیده زرابادی (۱۳۸۹) جستاری در
نشانه‌شناسی شهری، هویت شهر، شماره ۴.
- مامفورد، لوییز (۱۳۸۵) فرهنگ شهرها، ترجمه عارف
اقوامی مقدم، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز
مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- مددپور، محمد (۱۳۸۳) آشنایی با آرای متفکران درباره
هنر، حوزه‌های سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
- منان رییسی، محمد و دیگران (۱۳۹۳) درآمدی بر رمز
و رمزپردازی در معماری دوران اسلامی، پژوهش‌های
معماری اسلامی، شماره ۲.
- میرشاهزاده و دیگران (۱۳۹۰) نقش فضای مرزی-
پیوندی در فرآیند آفرینش معنا، هویت شهر، شماره ۹.
- Czepczynski, Mariusz (2008), Cultural Landscapes of
Post-socialist Cities Representation of Powers and
Needs, Ashgate Publishing Limited, England.
- Anderson, D. 1987, Creativity and the Philosophy of
C. S. Peirce, Dordrecht : Martinus Nijhoff Publishers.
- Bergman, Mats ; Paavola, Sami (eds) 2003, The commens dictionary of Peirce's terms - Peirce's terminology in his own words, www.helsinki.fi/science/commens/dictionary.html page
- Deledalle, Gérard 2000, Charles S: Peirce's philosophy of signs – Essays in comparative semiotics, Indiana University Press.
- Copleston, Frederick 1946, A history of philosophy,

Volume VIII – Bentham to Russell, The philosophy of C. S. Peirce, pp. 304-329.

Everaert-Desmedt, Nicole 1990, Le processus interprétatif. Introduction à la sémiotique de Ch. S. Peirce, Mardaga.

Marty, Robert 1990, L'algèbre des signes, Essai de sémiotique scientifique d'après C.S. Peirce, Amsterdam : John Benjamins.

Shook, John R., Margolis, Joseph (ed.) 2006, A companion to pragmatism, Blackwell, Charles Sanders Peirce by Vincent M. Colapietro, pp. 13-29.

Merrell, Floyd, (1997), "Peirce, Signs, And, Meaning"
University of Toronto Press Incorporated Toronto
Buffalo London

Peirce, Charles S. 1931-1935, Collected Papers, vol. 1-6, Cambridge (Massachusetts) : Harvard University Press.

Peirce, Charles S. 1958, Collected Papers, vol. 7-8, Cambridge (Massachusetts) : Harvard University Press



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۴۳

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۴۴